

## سرو و پیکار و پیروزی

رسم و آداب آزادی یا پیشه نباید کرد  
بیآنکه زجان بسازی اندیشه نباید کرد  
( فرخی بزدی )

حاکمه ۲۸ تن که در بیدارگاه نظامی فاشیستی محمد رضا شاهی جریان یافت نموداروشنی از مبارزه صریح و بی پروا و دلورانه خلق ما برضد رژیم پوسیده و محکوم بزوال ایران است. عدای از فرزندان شایسته خلق مادرین بیدار گزینا خود نیندیشیدند، به قیمت اینکه پس از بازگشت از محکمه دویار در سیاهچال های سازمان امنیت دچار شکنجه گردند از جنایات این سلا زمان چنانکه پیر و برگرفته رژیم "انقلاب سفید" را از همه جانب کوبیدند. حتی سه تن از آنها ( مسعود بطحاً شکراله پاکزاد - ناصر کاخ ساز ) ایمان خویش را به مارکسیسم لنینیسم با سر بلندی و دلیری اعلام داشتند و دریایان صحنه سازی محاکمه که حکم سازمان امنیت ابلاغ میشد سرور نجبران جهان - سرور پیکار و پیروزی طبقه کارگر - سرور انترناسیونال سر دادند.

درود بر آنها! افتخار بر آنها!  
درکسری که - بقول پاک زواد - "هیچکس در آنجا بجز سیاسی دستگیر نمیشود" ( زیرا که دولت حاضر نیست هیچگونه انتقاد و فعالیت سیاسی را تحمل کند و لاف آن را با هر مدعی جرائم عادی بشمارد ) در دادگاهی که - با زهم بقبول پاک زواد - "صرف اعتراض به صلاحیت دادگاه نظامی جسم محسوب میشود" پاک زواد و یارانش فریاد خنق ایران را طنین انداز ساختند و در واقع ثابت کردند که آنکه برضد قانون اساسی ایران - این خونبهای هزاران شهید انقلاب - قیام کرد توانکند باید بیای میز محاکمه و جویبه اندام کشانده شود محمد رضا شاه است. دادستان در دفاع از سازمان امنیت و اثبات قانونیت وی گفت که سازمان امنیت را قانون مقرر شده است. ولی همانطور که متهمان گفتند چنین قانونی مبنای قانون اساسی است و کما که آن را وضع کرده اند به قیام و اقدام برضد قانون اساسی دست زده اند. دادستان گفتار یکی از متهمان را بطعنه تکرار کرد و گفت: "سخنان پاک زواد سخنان توده های پاره رهنه ایران است". وی ابلهانه میخواست از این طریق بی اعتباری سخنان پاک زواد را نشان دهد. ولی چه اختاری بالاتر از این که کسی سخنگوی توده های پاره رهنه ایران یعنی توده های مردم ایران باشد. بیش از سی سال پیش ارامی در دادگاه نظیر دادگاههای گوناگون در جواب دادستانی نظیر دادستان گوی چنین گفت: "چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفه داری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود! ... مگر رنجبران تمام جزئیات حیات شمارا تا مینویسند؟ ... مگر اکثریت ملت ایران به نسبت نه دم رنجبران نیست؟ این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفید بلکه از آن سخت هراسانید".

دادستان مدعی شد که گویا این جوانان پاکزاد پیکار و پیروزی از مرز ایران و عراق میخواستند با تیمور بختیار تماس بگیرند و پاک زواد در جواب او تحقیرکنان گفت: "در پیرونده ماهیج نامی از سر لشکر بختیار نیست. دولت یک سال بعد از دستگیری طایر تصمیم گرفت ما را با این سر لشکر مترجم بچسباند". مافکظ بنا این جرم به دادگاه آورده شده ایم که میخواستیم با اسرائیل که در آمریکا ایستاد در خاور میانه است پیکار کنیم. پاک زواد افزود که شما در پیکار بخاطر خلق فلسطین در عین حال متهمان رهائی خلق ایران بوده است زیرا که "انقلاب سفید خلق ویتنام پیکار خلق های باسک و اسپانیولی و مبارزات خلق های امریکایی لاتین و فلسطین و ایران بهم پیوسته است". بقیه در صفحه ۳

## زندگی و مبارزه طبقه کارگر ایران

وضع طبقه کارگر ایران مانند عموم زحمتکشان بسیار اسفناست. سازمان امنیت بجراید فرمانبرد استوار آمده است که در باره واقعیت زندگی این طبقه و مبارزات دلیرانه اش با ما میبمانند و برعکس در مورد روغ بزرگ "سهم کردن کارگران در سرور کارخانه" داد سخن بدهند. گماشتگان سازمان امنیت در مجلس نیز همین دستور را دریافت داشته اند. ولی وخامت زندگی طبقه کارگر ایران خفیه تر از آن است که بتوان تمام گوشه های آن را با دروغ های شاهانه پوشانید. جندی پیش از آنجایی که یان در مقابل آقای "نیکخواهریم" که میخواست آنها را با کلمات "ایستائی" و "پویائی" و "همبستگی ملی" و غیره دچار سرگیجه گرداند و از توجه به فقر و رنج بی پایان توده های مردم بازدارد گفتند: "در روز که ما از کارخانه" مقدم بازدیدیم کردیم به کارگرها برخوردیم که با حداقل ساعتی ۵ ریال و حداکثر ساعتی ۳۵ ریال مشغول کار هستند". در همان هفتهها روزنامه کیهان (۱۲ شهریور ۱۳۴۹) خبر داد که بسیاری از کارگران سازمان بنادر و کشتیرانی (بخش دولتی) که در هوای سوزان جنوب به کار طاقت فرسائی تن میدهند کمتر از ۸۵ ریال دستمزد دریافت میدارند. یعنی ماهیانه (با حذف روزهای جمعه) کمتر از ۲۴۰۰ تومان. وزارت کار بعنوان نتیجه مطالعات خودش اعلام داشت که حداقل دستمزد در نقاط مختلف کشور بین ۳۴ تا ۶۴ ریال یعنی ماهیانه حدود ۱۰۰ الی ۱۷۰ تومان است (اطلاعات ۱۳ خرداد ۱۳۴۷). یکی از کارگران در دادگاه شماره ۲ دادرسی ارتش فریاد زد که "در سلکت ما کارگران زیادی وجود دارند که روزی ۲۰ ریال دریافت میکنند، در برابر کارهای خانه ماهیانه ۶۰۰ تا ۹۰۰ ریال و گرانی سرسام آورنده کی. (متن دفاعیه علیجان شامی) ... روزی یکی از نمایندگان مجلس بر زبان آورده که ۷۵۰ نفر از کارگران ماهیانه کمتر از پنجاه تومان مزد میگیرند (اطلاعات ۱۴ اسفند ۱۳۴۸). زندگی

کارگران کارگاهها و بوژه کارگاههای قالیبافی بقدری رقت آور است که حتی گردانندگان رژیم لازم دیدند تا شک تسامی برای آنها نثار کنند و خود محمد رضا شاه در تشریح عالی اقتصاد گفت: "بچه ها را جمع میکنند و از آنکشان، ظرف این افراد بیچاره بی پناه کار میکنند و آنها روزی چهار پنج ریال بیشتر نمی دهند ... حتی شنیدم پدران و مادران خدمات اطفال خود را قبل از زایمان پیش فروش میکنند" (کیهان ۴ مهر ۱۳۴۷). ولی تاجیزی دستمزد کارگران برای روشن ساختن وضع آنها کافی نیست. باید به بالای بیکاری که توده عظیمی از کارگران را در بر میگردد و آنها را تا مدت ها از همین دستمزد تاجیز نیز محروم میگردد توجه کرد. در واقع محاسبه دستمزد طبقه کارگر وقتی بدرستی صورت می پذیرد که تعداد بیکاران و

از راست به چپ: پاک زواد، بطحانی و کاخ ساز در زیر سایه سر نیزه در دادگاه نظامی.

مدت بیکاری آنها نیز بحساب آورده شود. اگر فقدان بیمه های مختلف و فقدان حقوق تقاعد را نیز در نظر بگیریم آنگاه روشن میگردد که رفیق طبقه کارگر ایران با چه استبداد بی رحمانه ای کسبیده میشود. بطوریکه هر جا که طبقات استثمارگر در حکومتان هرنگه تکمیک از طرفی موجب افزایش شدت کار و از طرف دیگر موجب کاهش تمدن کارگران و بیکاری عده ای از آنها میشوند. کسب رسوای نفت در دهساله اخیر در اثر نداشتن حقوق کارکنان دستگا همسا در مهاجران کارگر متخصص ایرانی را بخوابان ریخت و یا با حقوقی کمتر بکارهای سنگین غیر تخصصی گماشت. برخی از صنایع دولتی و خصوصی ایران نیز همین روش را داشتند و حتی خریداران بزرگ از کارخانه های دولتی قبلا شرط میکردند که بتوانند کارگران "زائد" را بدون قید و شرط از کارخانه بیرون ببرند. با این طریق امروز در کشور ما نه فقط سبلی از دهقانان پیشان روزگار بشهرها روان است بلکه هزاران کارگر بیکار در جستجوی کار با این کارخانه و آن کارخانه و یا باین شهر و آن شهر روی می آورند. کاروان کارگرانی که به قضا و قدر تن میسپارند و بسه شهرهای جنوبی خلیج فارس، به بحرین، عمان، کویت، بصره، ونیزه و رهسپار میشوند قطع شدتی نیست. اخیرا دولت از ترس وخامت این وضع در صد "مدور" کارگر به خارج برآمد و عده ای از رنجبران شریف ایرانی را با استثمار کشور نژاد پرست افریقای جنوبی و دولت آلمان غربی سپرده است. و این خود نشانه دیگری از این حقیقت است که رژیم محمد رضا شاه برای زحمتکشان ایران جای زندگی در وطن خویش باقی نگذاشته است. در کارگاهها و کارخانه های ایران بی قدرترین چیزهاجا کار است. چه بسیار از آفرینندگان ثروت این کشور که در اثر حوادث کار بیمار میشوند، اطفال میباشند، از کار می افتند و بیسایکاره جان می سپارند. جندی پیش انفجار لوله گاز در منطقه بید بلند (خوزستان) موجب قتل ۲۵ نفر و زخمی شدن ۴۷ نفر کارگر گردید و حتی جرائد مزدور نیز نوشتند: بقیه در صفحه ۴

## چین توده ای و جنگ های

### عادلانه هندو چین

اعلامیه مورخ ۴ فوریه وزارت خارجه جمهوری توده ای چین در باره تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا بر لائوس نموداری از انترناسیونالیسم پرولتری و عزم راسخ خلق چین در پشتیبانی بی قید و شرط از جنگ عادلانه خلق های هندو چین است. در اعلامیه گفته میشود:

"در واقع ماجراجویی جدید نظامی امپریالیسم امریکا در هندو چین از مدت ها پیش طرح ریزی شده بود. دلیلش موافقت نامه محرمانه ای است که از مدت ها پیش بین مقامات پیشانی سایگین و نیروهای دست راستی لائوس و سرور پشتیبانی امپریالیسم امریکا در باره ورود قوای ویتنام جنوبی در لائوس وجود دارد. دولت نیکسون، این جنایتکار عده، مسئول گسترش این جنگ تجاوزکارانه است.

دولت و خلق چین امپریالیسم امریکا را بناسبت جنایت جدیدش بر علیه خلق های سه گانه هندو چین شدیداً محکوم میکنند و مصمانه پشتیبان اظهارات رسمی سخنگوی کمیته مرکزی جبهه صحن پرستان لائوس و وزارت امور خارجه جمهوری مکزیک و ویتنام و همچنین وزارت امور خارجه دولت انقلابی موقت ویتنام جنوبی و سخنگوی دولت پادشاهی متحد ملی کامبوج مورخ ۱ و ۲ و ۳ فوریه میباشند.

امپریالیسم امریکا که تلاش میکند تا خلق های سه گانه قهرمان هندو چین را بوسیله گسترش جنگ تجاوزکارانه بانقیار خویش در آورد هرگز در کار خود کامیاب نخواهد شد. بیگمان خلق های مذکور او را به مجازاتی با زهم شدید تر خواهند رسانید.

هفتصد میلیون مردم چین که پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را افراشته نگه داشته اند هرگز به امپریالیسم اجازه نخواهند داد که در هندو چین به هر کار دلخواه خود دست بزند. این تعهد ما و وظیفه ماست که از خلق های سه گانه هندو چین تا پیروزی کامل آنان در جنگ بر ضد تجاوز امریکا و در امر رهائی ملی کامل پشتیبانی کنیم و آنها کمک تمام عیار برسانیم.

## پیروزی باد مبارزه دلیرانه خلق های هندو چین

# خلق ایران و طبقه کارگر ایران

پارهای از اعضا "جبهه ملی" گاهی به این "استدلال" متوسل میشوند که سازمان توفان همانطور که خود میگوید وی - نزیسد فقط مدافع منافع طبقه کارگر است و حال آنکه ما "جبهه ملی" دفاع از تمام خلق، دفاع از تمام طبقاتی را که از سلطه امپریالیسم رنج میبرند و جبهه همت خود قرار داده ایم. البته برای کسانی که برای نخستین بار با مسائل اجتماعی برخورد میکنند و از خصلت طبقه کارگر، آرمانهای وی و رسالت تاریخی وی آگاهی ندارند این "استدلال" قریبند است و میتواند افراد را از راه صحیح بدربرد و به گمراهی بکشاند.

در اینکه ما مدافع منافع و آرمانهای طبقه کارگر هیچگونه تردیدی نیست. اما آیا دفاع از منافع طبقه کارگر یعنی آن است که سازمان ما از منافع طبقات و قشرهای دیگر در قبالت امپریالیسم و ارتجاع و یا بعبارت دیگر از منافع خلق ایران دفاع نکرده و نمیکند؟ اساساً آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع و آرمانهای خلق های ایران یکی نیست؟ آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر از دیدگاه تاریخی منافع و آرمانهای خلق زحمتکش ایران را در بر نمیگیرد؟

در وهله اول ادعای دوستان "جبهه ملی" مارتفاض فاحش یا واقعیات است. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از همان آغاز پیدایش خود به شهادت صفحات ماهنامه توفان هیچگاه از دفاع از منافع طبقات و قشرهای گوناگون، از پشتیبانی از مبارزات آنها علیه دشمنان داخلی و خارجی باز نایستاده است. "ایران آزاد" ارگان "جبهه ملی در اروپا" از چه طبقه یا قشری دفاع کرده که سازمان ما با شدت برآمده و بی‌گیری بیشتری نکرده است؟ کدام سازمان سیاسی را در کجا حاضر میشناسید که در طول حیات خود بیش از سازمان توفان به پشتیبانی از مبارزات جوانان و دانشجویان در خارج و داخل کشور، به پشتیبانی از سازمانهای دانشجویی و کفدراسیون دانشجویان ایران برخاسته باشد؟ آیا ما هیچگاه از دفاع از منافع دهقانان باز ایستادیم؟ اکنون بر همه کس روشن است که سازمان توفان در این مرحله از انقلاب دهقانان را که اکثریت عظیم خلق ایرانند مطلقاً تنهاست. منافع طبقه کارگر می - شمارد و بسیج و متشکل ساختن و کشاندن آنها را بمبارزه وظیفه عمده خویش قرار داده است. بازم روشن است که مدیون دفاع از منافع دهقانان و بدون آنکه خود را در خدمت آنان گذارد، از خواستهای آنها پشتیبانی کرد و برای تحقق این خواست ها در پیشاپیش آنها قرار گرفت نمیتوان اعتماد و اطمینان دهقانان را بدست آورد. تصور این امر که سازمان توفان دهقانان را نیروی عمده انقلاب بشناسد ولی بدافع از منافع آنها برخیزد، تصور باطل و بیهوده ای است.

سازمان توفان پیوسته برای تساوی کامل حقوق زنان با مردان در تمام زمینه ها، برای برانداختن ستم ملی و تأمین حق خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرده و میکند. بگواهی صفحات ماهنامه توفان ما حتی دفاع از منافع بورژوازی ملی ایران در برابر امپریالیسم و دولت دست نشانده آن را از نظر فرونگه کرده ایم. اینها واقعیاتی است که علیه ادعای دوستان "جبهه ملی" راف می دهد. آن افرادی که برای مبارزه با سازمان توفان به اینگونه "استدلالات" دست می - زنند یا واقعا خود گمراه و ناآگاه اند، یا از عدم آگاهی جوانان برای دور کردن آنان از سازمان توفان و برانگیختن آنان علیه این سازمان سوء استفاده میکنند.

این واقعیت که سازمان توفان از منافع طبقات و قشرها ضد امپریالیستی و ضد فتوای دفاع میکند تصادفی نیست. دفاع ما از منافع تمام خلق ایران ناشی از وفاداری ما به آرمان های طبقه کارگر ایران است، ناشی از این امر است که هیچگاه و در هیچ مرحله ای از تکامل جامعه ما منافع طبقه کارگر ایران با منافع خلق در تضاد نیست. البته مفهوم خلق طی مراحل تکامل جامعه ثابت نمی ماند و محتوی آن برحسب اینکه جامعه ما در چه مرحله ای از تکامل قرار گرفته، به حل چستاد های اساسی و عمده های باید بپردازد تغییر میکند. ولی در هر حال هر چه باشد مفهوم و محتوی خلق، منافع طبقه کارگر همیشه در انطباق کامل با منافع تمام خلق است.

طبقه کارگر بنابرجهان بینی علمی خود هرگز درحالی مسائل اجتماعی حتی مسائلی که با زندگی سخت و توانفرسای وی وابسته است بدنبال احساسات و تمایلات ذهنی نمی رود، گرد پندارهای واهی نمیگردد، بلکه جامعه را از لحاظ درجه تکامل نیروهای تولیدی یا بعبارت دیگر بر اساس طبقاتی و مبارز طبقاتی تحلیل میکند، مسائل حادتری را که باید در درجه اول بحل آنها پرداخت بپرون میکند، تمام نیروهای را که به حل این مسائل علاقه مندند گرد میآورد و مبارزه میکند.

امروز جامعه ما و بیش از همه طبقه کارگر از دو متشکل اساسی رنج میبرد و تا زمانی که این دو مشکل از ریشه و بسن حل نشود میهن ما و مردم ما همچنان در فقر و عقب ماندگی باقی خواهند ماند. امپریالیسم و بقایای تولید قوت الهی نیست و تضاد اساسی که قزنهاست راه را بر رشد نیروهای تولیدی کشور ما بسته اند. بدون برانداختن این دو تضاد سخنی هم از انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی که رسالت بلازمان طبقه کارگر است نمیتواند بیمان آید. از اینسرو طبقه کارگر برای نیل به هدف نهائی خود یعنی ایجاد جامعه بدون استثمار و بدون طبقات، جامعه ای بدون ستم طبقاتی و ملی، در مرحله کوشی تمام تلاش خود را برای حل این دو تضاد بکار می اندازد. هراندازه این دو تضاد ریشه های ترو کاملتر حل شود برای رشد نیروهای تولیدی میدان وسیعتری گشود خواهد شد و مقدمات لازم برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، بیشتر فراهم خواهد آمد. بیهوده نیست که طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه یا قشر دیگری بحل قطعی این دو تضاد علاقه مند است. از اینجا است که منافع طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع تمام طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و ضد فتوای در هم می آمیزد و از اینجا است که طبقه کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم و بقایای شیوه کهن فتوای، در کنار نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی قرار میگیرد و همراه با آنها و بعلافت خصائل انقلابی خود در پیشاپیش آنها نبرد مشترکی را علیه دشمنان خلق دنیسال میکند.

روشن است که دفاع از منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب (و نیز در مراحل بعدی آن) جز دفاع از منافع خلق ایران نیست و سازمان ما که دفاع از منافع طبقه کارگر و تحقق آرمانهای وی را جبهه همت خود قرار داده نمی تواند مدافع منافع و آرمانهای تمام خلق های میهن ما نباشد. این حقیقتی است که با هیچ پاره ای نمیتوان آنرا پنهان کرد. اما این هنوز تمام نیست. سرشت طبقه کارگر به مبارزه وی خصلتی تا پایان انقلاب می بخشد. طبقه کارگر جز در بازاری توانا و سازنده سرمایه ای ندارد، از اینرو تنها از انقلاب و قیام توده ها نمی هراسد برعکس به استقبال آن می شتابد و در پیشاپیش توده ها جای میگیرد. پیروزی انقلاب فقط میتواند زنجیرهای اسارت را از دست و پای وی بردارد. اینست که خصلت انقلابی طبقه کارگر هرگز دچار فتور نمیشود، تزلزل و تردید نشان نمیدهد یا صالحه و سازش با دشمن سازگاری ندارد. این خصائل انقلابی از موقعیت طبقه کارگر در تولید بر میخیزد. هیچ طبقه یا قشر دیگری دارای چنین موقعیتی نیست.

بورژوازی ملی ایران بعلافت آنکه دارای وسایل تولید است و خود کم و بیش در استثمار دهقانان در روستا دست اندرکار است از صادره زمین های مالکین بزرگ بیبناک است، از آنجایی که بنیه اقتصادی و سیاسی ضعیف است از قیام توده ها و انقلاب میترسد و هر موقع که نهضت انقلابی آید میگوید با دشمنان خلق، امپریالیسم و ارتجاع علیه توده ها سازشی کند. اینجاست که منافع او حتی در این مرحله نیز با منافع طبقه کارگر و خلق زحمتکش ایران در انطباق کامل نیست. جز با دفاع از منافع طبقه کارگر و کوشش در تحقق آرمان های وی نمیتوان بخلق وفادار ماند. به میهن خود مهرورزیید سازمان ما چون بخلق و میهن خود مهر میورزد، به طبقه کارگر، بدانشروی و به آرمانهای وی روی آورده است. فقط طبقه کارگر میتواند خلق ایران و میهن ما را در مرحله بحر حله در شاهراه ترقی و شکستگی رهنمون شود. حکم تاریخ چنین است.

در راه آزادی... بقیاصفحه) که ارتجاع سپاه را در تمام جبهه ها مستقر ساخت جامعه ایران و مبارزات خلق آن را به فقر آورد و زنان ایران را نیز از پیشروی در راه تأمین حقوق انسانی خویش بازداشت.

شاه وقتی چند تن از ندیده های اشرف پهلوی را در لیست نمایندگان مجلسین میگذارد یا یوزارت منصوب میگذارد و آنرا بنابه آزادی زن ایرانی جا میزند در واقع هیچ کسی را نمی فریبند. زنان ایران فقط با مبارزات خود و با شرکت در مبارزات خلق ایران بخاطر آزادی و استقلال میتوانند آزادی خود را بدست آورند و تساوی حقوق را به کرسی بنشانند. در مبارزه ای که هم اکنون چه در خارج و چه در داخل کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع ایران جریان دارد، زنان و دختران سهم ارزنده خود را ایفا میکنند. یقین است که زنان و دختران ایران با الهام گرفتن از زنان و دختران ویت نامی فلسطینی و... شرکت خود را در مبارزه بیشتر وجدی تر خواهند کرد.

مارکسیست - لنینیست های ایران وظیفه دارند در جلب زنان و دختران مبارزه و متشکل ساختن آنان از هیچ کوشی فرونگه آرند. البته این وظیفه دشواری است، دشواری است از آنجهت که از یکسو در میان زنان و دختران بعلافت جامعه مشکلات فراوانی بهمراه دارد و جسارت و بردباری بسیار میخواهد و از سوی دیگر باید ضمیر خود را از افکار "مردانه" که خواه ناخواه تاثیر خود را باقی گذارده اند پاک کرد، باید بخاطر سپرد که بدون شرکت زنان در انقلاب کار انقلاب به سرانجامی نخواهد رسید و بدون پیروزی انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر زنان روی آزادی نخواهند دید.

## در چشم دشمنان

یکی از رفتاری سزما می درنا ما می نیستی که توفان خاریست در چشم دشمنان طبقه کارگر ایران. این سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران به بسن انقلابی خلق و مبارزات پرافتخار طبقه کارگر ایران اعتقاد راسخ دارد و میگوید حزب طبقه کارگر را - طبقه ای که پرچم انقلاب دموکراتیک ملی ما را بدوش میکشد - در رهبر ایران احیا کند و دست بهمین دلیل است که توفان هیچگاه از حملات ارتجاع و ریزش نیستیها چپ و راست مصون نبوده و این امری طبیعی است! اینکه امروز توفان - زبان طبقه کارگر ایران - مسور در حملات، تهمت ها و ناسزاگویی ها قرار گرفته چیز تازه ای نیست. حزب کوشیست ایران، گروه ارانی و حزب توده ایران تا آنکه که به مارکسیسم لنینیسم وفادار بود نیز از این تهمت ها و افتراها و... و حملات ارتجاع در امان نبودند.

سازمان توفان مورد حمله اپورتونیستهای چپ قرار گرفته: چرا؟ برای اینکه از این راه بتوانند قش ضد انقلابی خود را "مرحله اجرا" در آورند نگذشته حزب توده ایران را با اینا لایق ما یعه پراکنی کنند و با الهام به سوسا زمان ما منیت کام بردارند و برای انجام این مقصود هر نقش خرابکارانه ای را اجرا میکنند. سخن پراکنی از قول این آیان فرد که "گیا" عضو یا "سپانیزان" توفان است از شیوه های قدیمی و کهنه ایسن دشمنان سوگند خورده است.

دست این آقایان همه جا رور شده است. اینان هنوز که هنوز است از مبارزات طبقاتی، از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه ماؤتسه دون دم میزنند ولی در عمل به مقاصد ضد مارکسیستی یاری میرسانند.

وظیفه امروز همه مارکسیست لنینیست ها افشا جبهه این واخوردگان انقلابی ناست. تشکل در درون توقسان برای احیا حزب طبقه کارگر ایران وظیفه هر فرد - مبارز و مارکسیست لنینیست است. تشکل در درون توفان برای مبارزه بی گزیر با رژیم سرسپرده ایران، برای مبارزه با اپورتونیستها چپ و راست وظیفه همه هواخواهان طبقه کارگر است. نقش در تقویت توفان و وحدت و تشکل آن بگوشیم. نقش خرابکارانه دشمنان خلق را از هر قضای که باشند افشا کنیم و وحدت سازمانی را چون مردمك چشم دست بدریم.

# دروغ شاهانه

(از روزنامه کیهان بتاريخ سه شنبه ۱۵ دیماه ۴۹)  
 ... در کمیته بازرگانی سازمان همکاری عمران منطقه  
 در مورد خرید نزدیک به دو میلیون دلار گوسفند از ترکیه بوسیله  
 ایران مذاکراتی انجام میشود.  
 حال به سخنان اعلیحضرت توجه فرمائید:  
 (از روزنامه کیهان بتاريخ دوشنبه ۵ بهمن ۴۹)  
 ... ما اکنون بیش از ۶۰ تا ۷۰ میلیون گاو یا گوسفند  
 داریم که ۳۰ میلیون آن زیاد است.

مشت نبوده... بقیه از صفحه  
 ویتنام که دولت شوروی  
 مدعی پشتیبانی بی شائبه است نمیتواند باشد. مادر اینج  
 برای اینکه شتی از خوراک نشان داده باشیم ترجمه مقاله ای  
 را که در تاریخ اول نوامبر ۲۰ در نشریه "وایی" سانکای شیبی  
 انتشار یافته و از طرف موسسه صلح برتراند راسل برای انتشار  
 در اختیار گردیده "اکسپرس انترنیشنال" گذارده شده است. از  
 نظر خوانندگان عزیز میگردانیم:

"ماتوسای سخنگوی هیات نمایندگی اقتصادی  
 کامبوج و معاون وزارت دارایی این کشور در مورد سفر  
 کامبوج در ترکیه اظهار داشت که از کودتای ۱۸ مارس  
 اتحاد شوروی به کامبوج کمکهای نظامی دیگری پرداخته  
 است. ماتوسای اظهار داشت که:  
 "در کمکهای گوناگون دولت اتحاد شوروی به کامبوج  
 پس از پایان دوران سیهانوک تخفیفی حاصل نگشته  
 است. بلکه حتی نسبت به آن زمان افزایش هم یافته  
 است. کمکهای نظامی که قرار آن قبل از کودتای سیهانوک  
 شده بود. اگر عبارتند از کامیونهای نظامی که پس از  
 کودتا نیز بطور منظم تحویل داده شده است. تحویل  
 این کامیونهای نظامی هنوز به پایان نرسیده است و  
 بقیه آن بزودی خواهد رسید."

بخشهای زیر بخش عمده حمایت شوروی از کامبوج  
 را به عهده دارند: انستیتی تکنولوژی کمکهای دوست  
 شوروی، که محل آن در حومه شهر پنوم پن است. بیمار-  
 ستان دوستی شوروی و کامبوج که بزرگترین بیمارستان  
 پنوم پن است. استادان و کارهای پزشکی این موسسات  
 از شوروی آمده اند.

در ۱۸ مارس امسال دولت سیهانوک بدنهال یک  
 کودتا ساقط گردید. پیروان او با ویتنام شمالی وجبهه  
 آزادی بخش ویتنام جنوبی عقد اتحاد بستند و به رئیس  
 لئون - نول اعلام جنگ دادند. از ماه مه چسبن نیز  
 مبارزه سیهانوک را مورد حمایت قرار داد و روابط خود را  
 با رژیم لئون - نول قطع کرد. در آن زمان پرسیده میشد  
 که اتحاد شوروی چگونه سیاسی اتحاد خواهد کرد.  
 ولی دولت شوروی تا امروز نیز روابط دیپلماتیک خود را  
 با پنوم پن حفظ کرده است.

البته در اواخر ژوئن وقتی اختلافات در کامبوج  
 بالا گرفت، حدود ششصد تکمیل و مشاور شوروی به  
 عنوان مرخصی برای دیدار وطن از کامبوج فرا خوانده  
 شدند ولی چنانکه ماتوسای در کنفرانس مطبوعاتی خود  
 اعلام داشت، تمام این افراد مجمله ۸۵ پروفسور و  
 سایر کارکنان انستیتی تکنولوژی مجدداً به پنوم پن  
 بازگشته اند.  
 چنین بنظر میرسد که مناسبات شوروی با رژیم لئون  
 نول بخشی از مبارزه شوروی با چین را تشکیل میدهد.  
 دولت چین به پشتیبانی سیهانوک پرداخت ...

ولی دولت مخالفی و دولت شوروی با کشور  
 های هندوچین نه تنها روابط سیاسی دارد بلکه به  
 این کشورها کمک و همچنین کمک نظامی هم میکند. به  
 همین دلیل حمایت شوروی از رژیم لئون - نول در گذشته  
 نیز قابل پیش بینی بود ولی افشا این واقعیت مسلماً  
 خشم شدید چین و بطریق اولی، ویتنام شمالی وجبهه  
 آزادی بخش ویتنام جنوبی را برخواهد انگخت.

پاسداری از... بقیه از صفحه  
 بویزه که در کشور عقب مانده نیمه فئودال و نیمه مستعمرهای  
 مانند ایران عرض وجود میکند.  
 سر مقاله: اخیر روزنامه "پرود" بار دیگر مشی عسوی ضد  
 انقلابی و ضد خلقی روزیونیست های حزب توده ایران را تشنگا  
 میگردد. این مشی عبارتست از: دفاع از منافع سوسیال امپری-  
 یالیسم شوروی در سازش با آمریکا، دریند وست با رژیم جنایتکار  
 محمدرضاشاهی، در سازش با...  
 سابقا روزیونیست های حزب توده ایران فراز و نشیب  
 روابط ایران و شوروی را در طی دوران گذشته چنین توجیه میکردند:  
 "هر وقت دولت های ایران مصالح ملی ما را آشکارا زیر  
 پا گذاشته، جنش ملی و دموکراتیک ایران در اثر توطئه امپری-  
 یالیسم و ارتجاع موقتا سرکوب شد و سیاست تجاویز کارانه امپری-  
 لیسم در عرصه جهانی تشدید گردید، مناسبات ایران و شوروی  
 نیز به تیرگی گراییده است." (انقلاب اکبر ایران ص ۱۹۹)  
 اینکه که روابط تزارهای کرم با محمدرضاشاه از مرحله  
 دوستی هم گذشته و به معاشقه کشیده است یا باید گفت که  
 دولت محمدرضاشاه نگهبان مصالح ملی ایران است و جنبش ملی و  
 دموکراتیک ایران بوسیله ارتجاع و امپریالیسم سرکوب میشد و  
 سیاست تجاویز کارانه امپریالیسم در عرصه جهان تخفیف یافته  
 و یا باید این واقعیت را دید که شوروی امروز در پی مال کردن  
 مصالح ملی ما، در سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک ایران همپای  
 امپریالیسم و ارتجاع ایران است و یا سیاست تجاویز کارانه امپری-  
 یالیسم در عرصه جهان همدستان است.

این واقعیت را با هیچ سفسطه روزیونیستی و با هیچ  
 دشنام و تاسزا نمیتوان پوشانید.  
 سرود پیلار... بقیه از صفحه  
 البته در دادگاه ۱۸ نفر افراد ضعیفی نیز بودند و خائز  
 انگشت نمائی در صف همزمان نشسته بود. پاک نواد در باره  
 این شخص و دروغ پردازی ها و رقیق فروشی هایش گفت که  
 "میخواست است آزاری خود را بخورد". ولی او در واقع شخصیتی  
 خود را فروخته و بر یکی سازمان امنیت را خرید بود. تا وقتی  
 که هیئت حاکمه خائن ثراتی ایران در سندن قدرت نشسته است  
 از این گونه موجودات خفیر و پلید خواهد پرورد. هیئت سرگرمی  
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در تظلمه خود مورخ  
 تیرماه ۱۳۴۹ (توفان شماره ۳۵) بدستی نظردار که "احتمالاً"  
 چنین خیانت هایی را در هیچ سازمانی نمیتوان منقح انگاشت  
 وجود مردمان و خائنان نه میتواند لگهای برد امان نهضت بجستیا  
 و نه میتواند راه را ببری سد کند.

در دادگاه ۱۸ نفر در واقع دادگاه حاکمه رژیم و محکومیت  
 وی بود. رژیم محمدرضاشاه شکست سوزناکی خورد. وی متحان  
 رانهانی در بد و قرب یکسال در زندان نگهداشته بود وی -  
 خواست آنها را مانند صد هانفرد یک بدون کترین آگهی افکار  
 عسوی محکوم کند. ولی هشتمی و مبارزه خلق ایران و سازمان  
 های وی و بویزه افشاکاری های کفدراسیون محصلین و دانشجویان  
 ایرانی از این جنایت پرده برداشت و دادگاه سه ساختار مجبوی  
 ساخت که روزی به خارج بگشاید. در این دادگاه پس از سالها  
 برای نخستین بار متهمان به مبارزه آشکار بر علیه رژیم برخاستند  
 و ثابت کردند که شکیه گاههای سازمان امنیت قادر نیستند  
 اراده مردان مصمم جانپناز حلی وارد آورد. آنها "افسانه"  
 وحشتی را که سازمان امنیت درباره خود ساخته بود اخته  
 است برپا دادند. ضریهای که آنها بر سازمان امنیت زدند  
 ضربه ای کاری است.

چندی پیش از آنکه سرود پرشکوه انترناسیونال در دادگاه  
 فاشیستی محمدرضاشاهی طنین افکند شعار "انقلاب سرخ  
 بجای انقلاب سفید" فضای تهران و بلکه سراسر ایران را پر  
 ولوله ساخته بود. این ها نشانه مرحله تازه ای در مبارزه خلق  
 بر ضد حکومت کودتا است. البته سازمان امنیت که خطر مرگ  
 خود و رژیم متوج خود را احساس میکند درنده مرحله خواهد کرد  
 به جنایتکاریهای تازه دست خواهد زد و به خائن ترشی های  
 جدید متوسل خواهد شد. ولی تاریخ را با هیچ جنایت و  
 خیانتی نمیتوان جلو گرفت. از فداکاری و دانائی لایزال خلق  
 نیرو بگیریم. مرحله جدید مبارزه را تدارک به بینیم. دراجیه  
 حزب طبقه کارگر که ضامن رهبری صحیح و پیروزی  
 استوار مبارزات خلق است بیش از پیش بکوشیم. پیروزی با ما است.

زندگی و مبارزه... بقیه از صفحه  
 که مسئول این حادثه  
 مقاطعه کار انگلیسی بود است. در همین دی ماه گذشته در  
 کارخانه نساجی شاهی (که با دعای آقای "نیکخواه رژیم"  
 وضعیت کارخانه های بخش خصوصی بهتر است) هشتاد تن  
 از کارگران با کاری که بصحطه کار راه یافته بود مسموم شدند.  
 در همان ماه در اثر برخورد قطاری که کارگران معدن سنگ آهن  
 یزد را سرکار خیرید، نفر بقتل رسیدند و عدد دیگری مسموم  
 مجروح شدند که شاید برخی از آنها تاکنون جان سیرد میباشند  
 آنچه این مصیبت را جانخراش تر میکرد وضعی است که این  
 کارگران در موقع مسافرت داشته اند. از زبان یکی از بازماندگان  
 بشنویم: "ما ۱۶۰ نفر بودیم که سوارواگن شدیم و از بس جا  
 تنگ بود ناچار عده ای از کارگران بطور فشرده کار هم ایستادند  
 ما از درون واگن هیچ چیزی را نمی دیدیم چون این واگن  
 پنجره ای نداشت". اگر دولت ایران میخواست عده ای گاو  
 و گوسفند را از نقطه ای بنقطه دیگر منتقل کند نمیتوانست  
 بدتر از این برای آنها تدارک بیند! گویا بعداً همه گشتگان  
 حادثه را در چاله بزرگی خاک کرده و لوحه ای با این عبارت  
 در کنار آن نصب کرده اند: "قربانیان دره خوئین ایستگاه  
 راه آهن یزد". ولی باید این لوحه را بر سر خاک ایران زد  
 و بر روی آن نوشت: "قربانیان رژیم محمدرضاشاه!"

نه! طبقه کارگر ایران اگرچه در مبارزه با طبیعت و با  
 رژیم مستکار پهلوی قربانیان بسیاری داده نیرومند تر از همیشه  
 بر پای ایستاده است. او گوهرن رژیم محمدرضاشاه است.  
 او سابقه مبارزاتی افتخارآمیز دارد. از عهد مشروطیت تا  
 امروز هیچ نبرد بزرگ اجتماعی نیست که مهر و نشان او را بر  
 پیشانی نداشته باشد. او در گذشته توانست حزب سیاسی و  
 سازمان های صنفی نیرومند خود را بوجود آورد و مبارزاتی  
 را که از لحاظ عمق و وسعت در تاریخ ایران نظیر نداشته  
 است رهبری کند. در دوران رژیم خونریز کودتا نیز تمام تلاش  
 های سازمان امنیت نتوانسته است مبارزات طبقه کارگر را خائز  
 سازد. طبقه کارگر ایران از تجارب گرانبهای برخوردار است  
 یگانه طبقه ای است که میتواند تا آخر نماینده منافع خلق باشد  
 و خلق را بسوی جامعه سوسیالیستی رهنمون شود. ایدئو-  
 لژی علمی مارکسیستی - لنینیستی از آنرا هست. سلاح او سوز  
 طبقه کارگر ایران پیوسته در رشد کنی و کفنی است. ضعف  
 طبقه کارگر ایران در نقد از حزب طبقه کارگر است یعنی حزبی  
 پراسته از روزیونیسم، مجبزه مارکسیسم لنینیسم و اندیشه  
 مائوتسه دون، در پیوند با طبقه کارگر و سایر توده های زحمت  
 کش، آماده برای فداکاری در راه آرمان مقدس طبقه کارگر.  
 اما گمترین افکار مارکسیستی - لنینیستی در کشور ما علی رغم  
 رژیم خفه کننده پلیسی روزافزون است. نهضت مارکسیستی -  
 لنینیستی رژیم بروز قوت وحدت بیشتری می یابد و ناگزیر دیر یا  
 زود به احیای حزب طبقه کارگر منجر خواهد شد.  
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان احیای حزب طبقه  
 کارگر در عرصه ایران را وظیفه مبرم خود دانسته و پیوسته بسا  
 عزتی راسخ در این راه کوشیده است و خواهد کوشید.  
 درود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

## دو اثر از مارکس و انگلس

سازمان توفان بناسیت صد و پنجاهمین سالگرد میلاد  
 انگلس دو اثر زیرین:  
 ۱- "مانیفست حزب کمونیست" از مارکس و انگلس  
 ۲- "لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان"  
 از انگلس  
 راجد بدطبع کرده است. آنها را از ماهنامه توفان بخواهید.

عنوان مکاتبات  
 X GIOVANNA GRONDA  
 24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
 حساب بانکی  
 X GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 12470/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO / ITALY

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پیروتری است

بنامست ۸ مارس روز بین المللی زنان

### دوراه آزادی زنان

اسارت زن در جامعه انسانی سابقای بسیار کهن دارد. تضاد میان زن و مرد و اسارت زن در دست مرد مقارن باید این طبقات و ستم طبقاتی است. یعنی در همان است که جامعه انسانی و انسانها حتی خود زنها را پدیده های ناهنجار و غیر انسانی خو گرفته اند و آنرا امری طبیعی و عادی می شمارند. ارتجاع سیاه در قرون گذشته این بیعدالتی را با تمام نیروی خود دامن زده است. یکی از بزرگان کلیسا و فیلسوف دوران قرون وسطی میگوید: "سرنوشت زن آنست که در زیر پانته مرد زیست کند" و ناپلئون نماینده بورژوازی تازه بدوران روسیه فرانسه بر آن بود که "زن آفریده شده است برای آنکه بسرد و ما باشد". گیوم دوم امپراطور آلمان زن را فقط شایسته مطبخ، کلیسا و زادن میدانست. امروز هم معاون رئیس جمهور آمریکا اسپروانگلیو بدون احساس زهرای شرم اظهار میدارد: "سه عنصر را بزحمت میتوان رام کرد: احمق، زن و اقیانوس، ما در مورد دو عنصر نخست هیچ موفقتی بدست نیاورده ایم". این اندیشه نه تنها طی دهها قرن در اذهان ریشه دوانیده و حتی در میان توده های مردم نیز بنیاب حقیقی مسلم تلقی میگردد، بلکه بر اساس آن نیز رفتار شده و میشود.

سرمایه داری زن را از محیط تنگ خانه به محیط تولید کشانید نه برای آنکه زن را از اسارت برهاند بلکه برای آنکه نیروی کار ارزان بدست آورد و سود بیشتری تحصیل کند. سرمایه داری که با شعار "برابری" میدان آمد در واقع نابرابری اجتماعی و اقتصادی به ارمغان آورد و همین نابرابری هم در مورد زنان مصداق نیافتن مفقوت یعنی شتی که سرمایه داری باز کرد این بود که زن را به صحنه اجتماع و مبارزه اجتماعی کشانید. شک نیست که زنان در مبارزه با نظام مافوق انسانی در جامعه موفقیت هایی بدست آورده اند ولی زن هنوز در جوامع طبقاتی با زیر پای در دست مرد است، حد اکثر آنچه عشق است تمام تبلیغات بورژوازی امپریالیستی در سرا بهر جهان بر این محور میچرخد که این اندیشه را هر چه بیشتر در اذهان مردم ریزد در گردونه تولید زنان بیش از مردان مورد ستیبر است. گران واقع میشوند آنها در برابر کار مساوی با مردان مزد کمتری دریافت میدارند.

در محیط خانواده وضع زن از اینهم وخیمتر است. در این محیط زن در زیر سلطه بر چنین و چواری مرد دست و پا میزند از بام تا شام در سرمای زمستان و گرمای تابستان به کار توان - فرسای خانه میرسد و ولی هرگز کارش بحساب نیاید. حتی زمانی که مانند مردان در اجتماع کار میکنند پس از ورود به خانه وظیفه دارند تمام امور خانه را از بخت ویز گرفته تا شست و شویی و بچه داری برعهده داشته باشد. جان زن بویزه در کوششها عقب افتاده به پیشروی نمی آرد. کافی است پدری و برادری شهروندی در باره دختر، خواهر و همسر خود گرفتار خیالات توهمات شود برای آنکه زن با زندگی خویشروا عگوید.

زن بیش از آنکه زن باشد انسان است و باید از حقوق انسانی بطور تام و تمام برخوردار باشد، اختلاف جسمانی به هیچوجه نمیتواند دال بر وجود تمایزات اجتماعی باشد و نمی تواند حاکی از این باشد که زن در سطح پایین تری از مرد قرار دارد. بدون شک در جامعه کثرتی بویزه در کشورهای نظیر کشور ما زن عقب مانده است ولی این عقب ماندگی محصول وضع او در جامعه است و نه آنکه از سرشت او بر میخیزد. زنان نشان داده اند که در هیچ زمینه ای فروتر از مردان نیستند اینها همه مسائل منطقی و روشن است ولی سرشت جامعه طبقاتی که آنگاه از قرتها و قرتها افکار و اندیشه های خرافی است هنوز حاضر به تسلیم در برابر حقایق و واقعیتات نیست.

زنان ایران در دوران پس از شهریور و در زیر رهبری حزب توده ایران در مبارزات خلق نقش روز افزونی داشتند و با شرکت خود در مبارزات مخفی و علنی علیه دشمنان خلق شخصیت اجتماعی خود را نشان دادند و رژیم گرد تا بقید صفحه ۲

# پاسداری از رژیم کون تان در لباس مارکسیسم

دفاع از قرارداد نو استعماری شوروی بر روی بنیادهای حزب تود ه ایران دشواری و ولی از آن هم نشود گذشت. از این جهت سرمقاله شماره اخیر "مردم" را بان اختصاص دادند. روی بنیادها معتقد اند که موافقت نامه های جدید متضمن عناصر کیفی نوین است. روی بنیادها بر آنند که توسعه روابط بازرگانی با کشورهای روی بنیادستی و بویزه اتحاد شوروی، هم اکنون "تحول کیفی" در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله نوینی در رشد اقتصادی کشور میدهد آورده است.

این بچه معنی است؟ بآن معنی است که روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی نظیر آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و غیره - بعقیده روی بنیادها - هم اکنون به تحول کیفی ناقل آمده است. بعبارت دیگر روابط بازرگانی و اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران در اثر معجزات بهبود روابط ایران با اتحاد شوروی، دیگر دارای کیفیت استعماری نیست بلکه کیفیت نوینی دارد.

روی بنیادها بر آنند که همکاری های ممالک روی بنیادستی با دولت محمد رضاشاه که گویانمجر به ساختمان - باصطلاح آنها "صنایع کبیدی" شده هم اکنون "استروگور صنایع مجموعه اقتصاد ایران را در گرو میبازد".

بعبارت روشنتر: ساختمان صنایع ایران و نتیجه اقتصاد ایران در حال در گرو شدن است و دیگر وابسته با امپریالیسم نیست و نخواهد بود، دیگر اقتصاد نیمه مستعمره نیست و نخواهد بود.

بعقیده روی بنیادها قرارداد نو استعماری ایران با شوروی عنصر "مخالفت های آشکار و پنهان و در عین حال کاملاً طبیعی" محال انحصاری و واکنش جنجالی و هیستریک خادمان نقاب دار امپریالیسم" از طرف دولتمداران اضا شده است.

بعبارت دیگر: محمد رضاشاه مستقلا و علی رغم مخالفت های آشکار و پنهان امپریالیست ها و در راس آنها امپریالیسم آمریکا با انعقاد قرارداد های انقلابی با کشور سوسیالیستی "دست زده است".

این نظریات روی بنیادها کمترین نسبتی با تحلیل علمی ندارد و خیانت آشکار به اصول مارکسیسم - لنینیسم است. مارکسیست ها - لنینیست ها در بررسی های خویش هرگز تحلیل طبقاتی را از یاد نمیبرند و فراموش نمیکنند که هیچگونه تحول کیفی در جامعه بدون تحول کیفی در دولت امکان پذیر نیست. این "مجموعه" اقتصاد ایران که بنا بر ادعای روی بنیادها در گرو می شود بسود کدام طبقه یا طبقات در گرو میشود؟ چگونه ممکن است که هیئت حاکمه ایران که مرکب از کبار و رها و مالکان بزرگ ارضی است و سرپای وجودش بر پیوند با امپریالیست هاست نظام حکومت را در دست داشته باشد و آنگاه امکان بدهد که "مجموعه" اقتصاد ایران "بزبان امپریالیست ها بزبان کباران" ها، بزبان مالکان بزرگ ارضی در گرو می پذیرد؟ پس نقش دولت - بمنزله ماشین فشار طبقه - معین - در این ماجرا چیست؟

بنظر روی بنیادها همین حکومت کثرتی و همین حکومت خون آشامی که محمد رضاشاه در راس آن است اگر تا دیروز نماینده و مدافع منافع طبقات مستغزو استثمارکننده و مایل امپریالیسم بود فردا میتواند نماینده و مدافع منافع طبقات ستمدیده و ماستمأ زده و میهن پرست باشد. و اصولاً گویا وظیفه خلق ایران اینست که حکومت محمد رضاشاهی را از آن مواضع باین مواضع انتقال دهد و وسیله این انتقال عبارتست از بهبود روابط با کشور شوروی، واگذاری منابع ثروت کشور به تزارهای نوین روسیه!

اگر باورند آید به نتیجه گیری سرمقاله روی بنیادها و وظیفه های که برای کلیه ایرانیان معین کرده است توجه کنید. سرمقاله میگوید:

"میهن پرستان واقع بین ... باید بگویند تا دولت را بیش از پیش در این راه سوق دهند و با استفاده از شرایط مادی مساعدی که کمک های دوستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایران فراهم میآورد در راه برانداختن نهایی سلطه انحصارهای امپریالیستی و تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارند."

چنانکه ملاحظه میکنید وظیفه میهن پرستان ایران سرنگ ساختن دولت نیست بلکه سوق دادن دولت در همین راه است که در پیش دارد!

چنین است استدلال و نتیجه گیری کسانی که در لباس مارکسیسم پاسداری از حکومت محمد رضاشاهی ایستادند! روی بنیادها هم ادعای اندک در اثر نفوذ اقتصادی شوروی در ایران "دوران راند شده از روستا کورن بدست می آورد و در مقابل کوره" ذوب آهن آید بدگی طبقاتی کسب میکند."

بنظر روی بنیادها "آید بدگی طبقاتی" معلول پیشرفت تکنیک است نه معلول مبارزه طبقاتی که روی بنیادها مثل آتش از آن می بریزند. اگر استدلال روی بنیادها را با بدی بریم باید از امپریالیسم انگلستان سیاستگاران بدی ها کابلو میسر در هندوستان را آهنگ کشید تا در همان هندوی در مقابل کوره لوکوموتیو آن آید بدگی طبقاتی کسب کند. باید دست امپریالیسم آمریکا را بشکرانه فنر که کارخانه ذوب آهن در هندوستان ساخته تا کارگر هندی در مقابل کوره آن به آید بدگی طبقاتی برسد. باید در برابر امپریالیسم آمریکا و انگلستان سر فرود آورد که صنایع نفت را در ایران بوجود آورد مانند تزار ایران در آلا - بشکاه آن از صافی طبقاتی بگذرد. اصولاً دنیای استعمار زده باید برای استعمار دست بدعا باشد زیرا که امپریالیسم بنظر استعمار خلاقها همه جا گوشه هایی از تکنیک معاصر را سرایت داده است.

این نظریه روی بنیادها که تکنیک را حلال مسائل اجتماعی میبازد از مرجعانه ترین نظریات بقید صفحه ۳

## مشت نمونه خروار است

روی بنیادها مدعی اند که کجکهای اقتصادی و نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی به رژیمهای نظیر شاه علیه جنبش های آزادی بخش کشورهای نظیر ایران نیست. زیرا بقیده آنان گویا در این کشورها جنبش های آزادی بخشی وجود ندارد و الا هر کجا جنبش آزادی بخشی وجود داشته باشد، اتحاد شوروی سیاست دیگری اتخاذ میکند و گویا این جنبش ها را از حمایت مادی خود برخوردار میسازد. آنها برای مثال جنبش آزادی بخش خلق ویتنام را به گواهی میکشاند که گویا از کم "بی شائبه" اتحاد شوروی مستفیض است. آنان میگویند هرگونه موافقه سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا را در مورد ویتنام برده پوشی کند. ولی خیانت تزارهای جدید کرمان به خلقهای هند و چین بزرگتر از آنست که در کاهی روزی سرشوش بمسازند.

در ماه مارس سال گذشته سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" در کامیوج کودتای تنگینی برآه انداخت. رئیس قانونی ایسن کشور سیهانوک را از کار برکنار ساخت و قدرت دولتی در دست او را در دست گرفت. بدنیال این کودتای تنگ آبر خلقهای هند و چین - ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی، لاوس و کامبوج - اتحادیه ای علیه امپریالیسم آمریکا بوجود آوردند تا جنگهای آزادی بخش خود را علیه امپریالیسم آمریکا هم آهنگ سازند. رئیس قانونی کشور کامبوج، سیهانوک، در مهاجرت جیبسه آزادی بخش کامبوج و دولت بوقت کامبوج را تشکیل داد که از جانب تعدد آزادی از دول ضد امپریالیستی برسمیت شناخته شد. ولی اتحاد شوروی از برسمیت شناختن این حکومت قانونی خود داری ورزید و برعکس به سازش با درو سته لوب - نسول این کودتای و سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا پرداخت و این درو سته تبهکار را از کجکهای بی درج پزشکی، فنی و نظامی برخوردار ساخت. کثرتی در کامیوج جنبش آزادی بخشی نیست حال آنکه خلق کامیوج تاکنون قسمت اعظم سرزمین خود را از تسلط نیروهای از جنای بیرون آورده است.

علاوه بر این روابط دوستانه و کجکهای گوناگون شوروی نسبت به رژیم تایلند که یکی از مهم ترین پایگاههای امپریالیسم علیه خلقهای هند و چین - و از آنجمله تایلند - است هر روز و بخصوص در این اواخر گسترش بیشتری یافته است. بدی بی است که سازش با امپریالیسم آمریکا در کامیوج و تایلند عمل دوستانه ای نسبت به خلق بقید صفحه ۳